

اتحادیه اروپا

از آغاز تا امروز

دکتر احمد نقیبزاده
استاد و ارم‌م‌یاسی دانشگاه تهران



سرشناسه
 عنوان و نام پدیدآور : اتحادیه اروپا از آغاز تا امروز / تألیف احمد نقیبزاده؛ ویراستار مهدی عباسی.
 مشخصات نشر : تهران: قومس، ۱۳۸۲.
 مشخصات ظاهری : ۲۹۱ ص:؛ نمودار.
 شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۵۵۱۶-۷۲-۵
 وضعیت فهرست نویسی : فیا.
 یادداشت : کتابنامه: ص [۱۷۲] = ۶۸۲
 یادداشت : نمایه.
 یادداشت : اتحادیه اروپا. الف. عنوان
 رده بندی کنگره : JN ۳۰ /- ۵۷
 رده بندی دیویی : ۳۲۱/۲۲۲۲
 شماره کتابشناسی ملی : ۱۹۳۷۰-۸۲م



نام کتاب: اتحادیه اروپا از آغاز تا امروز
 مؤلف: دکتر احمد نقیبزاده
 ویراستار: مهدی عباسی
 نوبت چاپ: دوم
 سال چاپ: ۱۴۰۳
 شمارگان: ۱۰۰ جلد
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۵۱۶-۷۲-۵
 چاپ و صحافی: مجد
 قیمت: ۲۵۰,۰۰۰ تومان

نشانی ناشر: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، پایین تر از لبافی نژاد، کوچه بهار، شماره ۱۱
 تلفن و نمابر: ۶۶۴۷۰۱۶۲ - ۶۶۴۷۰۱۵۳ - ۶۶۴۹۱۰۰۰
 www.ghoomes.com

کلیه حقوق چاپ و نشر (افست و الکترونیکی)، تکثیر، نسخبرداری و ترجمه برای نشر قومس محفوظ است.
 (استفاده از مطالب کتاب فقط با ذکر مآخذ آزاد است.)

فهرست مطالب

۱	سیاسگزاری
۳	مقدمه

بخش اول

۹	سیر تکوین اتحادیه اروپا
---	-------------------------

۱۱	فصل اول - مباحث نظری
----	----------------------

۱۱	قسمت اول: نظریه‌های تبیینی
----	----------------------------

۱۲	۱- تعاریف همگرایی منطقه‌ای
----	----------------------------

۱۲	۲- سطوح همگرایی
----	-----------------

۱۴	قسمت دوم: تریه‌های راهکاری
----	----------------------------

۱۴	۱- رویکرد سیاسی - نهادی
----	-------------------------

۱۶	۲- رویکرد فقهی - حقوقی
----	------------------------

۱۷	۳- رویکرد تجربی - اثباتی
----	--------------------------

۱۸	قسمت سوم: شرایط و زمینه‌های لازم برای همگرایی
----	---

۱۹	۱- پیش‌زمینه‌ها
----	-----------------

۲۱	۲- انتظارات و شرایط بلاواسطه
----	------------------------------

۲۳	نتیجه‌گیری
----	------------

۲۴	فصل دوم - زمینه‌ها و انگیزه‌های همگرایی در اروپا
----	--

۲۴	قسمت اول: بررسی زمینه‌های همگرایی در اروپا
----	--

۲۴	۱- شرایط جغرافیایی
----	--------------------

۲۵	۲- زمینه‌های اجتماعی - فرهنگی
----	-------------------------------

۲۶	۳- سازگاری نظامهای اقتصادی
----	----------------------------

۲۷	۴- پیوستگی سیاسی
----	------------------

۲۸	قسمت دوم: شرایط و انگیزه‌ها
----	-----------------------------

۲۸	۱- اوضاع بین‌المللی
----	---------------------

۲۸	۲- انگیزه‌ها، اهداف و وضیعت روحی - روانی اروپاییان در آستانه
----	--

۳۲	همگرایی
----	---------

۳۴	۳- اولین گامها و تبلور عینی آرزوها
----	------------------------------------

۴۰	۴- تلاشهای همزمان در جهت وحدت اقتصادی و سیاسی
----	---

۴۸	فصل سوم - بازار مشترک و مسائل آن در دوره ۱۲ ساله اول
----	--

۴۹	قسمت اول: فرایندها
----	--------------------

۴۹	۱- قرارداد ۱۹۵۷ ژم
۵۳	۲- واکنشهای منطقه‌ای و بین‌المللی در برابر بازار مشترک
۵۹	۳- کشمکشهای درونی
۷۰	فصل چهارم - یک حرکت همه جانبه اما بی نتیجه (دهه ۱۹۷۰)
۷۰	۱- شرایط جدید
۷۷	۲- کنگره ۱۹۶۹ لاهه و تیر سه شعبه آن
۸۷	۳- ادامه تلاشها در بحران
۹۵	فصل پنجم - به سوی اروپای متحد
۹۵	۱- اوضاع جدید بین‌المللی
۹۹	۲- از نگرانی تا اعلامیه واحد
۱۰۵	۳- اعلامیه واحد تا پیمان ماستریخت
۱۱۵	فصل ششم - بازار ماستریخت و اروپای برآمده از آن
۱۱۵	۱- پیمان ماستریخت
۱۲۱	۲- از ماستریخت تا امروز
۱۲۸	۳- آینده اتحادیه اروپا: سری سال ۲۰۰۴

بخش دوم

۱۳۵	محورهای مهم اتحادیه اروپا
۱۳۷	فصل اول - تحول در نهادهای اروپایی
۱۳۷	مقدمه
۱۳۷	۱- سازمانهای اروپایی از پیمان بروکسل تا پیمان رم
۱۴۲	۲- تحول در نهادهای اروپایی از پیمان رم تا امروز
۱۴۹	۳- ساختار نهادی - سازمانی اتحادیه اروپا
۱۵۸	۴- اتحادیه اروپا و سایر نهادهای اروپایی
	فصل دوم - مواضع قدرتهای بزرگ اتحادیه اروپا و نقش محور
۱۶۳	پاریس - برلین
۱۶۳	مقدمه
۱۶۴	۱- نگاه استراتژیک قدرتهای اتحادیه اروپا به این تشکل
۱۷۲	۲- مبانی سیاسی محور پاریس - برلین
۱۸۰	نتیجه

فهرست مطالب پنج

فصل سوم - مسائل اجتماعی اتحادیه اروپا.....	۱۸۱
مقدمه.....	۱۸۱
۱ - سیاست مشترک کشاورزی.....	۱۸۲
۲ - مناطق فروملی و اتحادیه اروپا.....	۱۸۵
۳ - اروپای شهروندان و مسائل اجتماعی - فرهنگی.....	۱۹۰

بخش سوم

اتحادیه اروپا در عرصه بین‌المللی..... ۱۹۵

مقدمه.....	۱۹۷
فصل اول - سیاست خارجی مشترک.....	۱۹۹
۱ - سیاست خارجی مشترک از نشست لاهه تا پیمان ماستریخت.....	۱۹۹
۲ - از ماستریخت تا امروز.....	۲۰۳
۳ - آزمون وحدت اروپا در پرتو رویدادهای مهم.....	۲۰۸
۴ - تبیین نظری جایگاه اتحادیه اروپا در روابط بین‌الملل.....	۲۱۲
فصل دوم - روابط خارجی جامعه اتحادیه اروپا.....	۲۱۶
مقدمه.....	۲۱۶
۱ - رابطه اتحادیه اروپا با سایر کشورهای اروپایی.....	۲۱۶
۲ - روابط اتحادیه اروپا و قدرتهای بزرگ.....	۲۲۰
۳ - روابط جامعه و اتحادیه اروپا با کشورهای جهان سوم.....	۲۲۸
فصل سوم - سیاست دفاعی و مسائل نظامی اتحادیه اروپا.....	۲۳۹
۱ - دفاع اروپا در دوره جنگ سرد: ۱۹۹۰-۱۹۴۵.....	۲۴۰
۲ - دفاع اروپا پس از جنگ سرد.....	۲۵۱
نتیجه‌گیری.....	۲۶۱
گاهشمار.....	۲۶۳
فهرست منابع.....	۲۷۱
الف - منابع فارسی.....	۲۷۱
ب - منابع لاتین.....	۲۷۲
۱ - کتاب‌ها.....	۲۷۲
۲ - مقالات.....	۲۷۷
نمایه.....	۲۸۷

مقدمه

روند همگرایی در اروپا موضوع مطالعات منطقه‌ای است که از دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به عنوان گرایش جدیدی در مطالعات بین‌المللی مطرح و توجه بسیاری از نظریه‌پردازان و صاحب‌نظران این حوزه را به خود جلب کرد. اغلب آثار وی‌کردی سیستمیک داشتند که تعیین جایگاه تشکلهای منطقه‌ای را در درون نظام بین‌المللی مد نظر قرار می‌داد. از این زاویه تشکلهای منطقه‌ای به عنوان زیرسیستم و زیرمجموعه نظام بین‌المللی که دارای روابط متقابل با نظامهای ملی از یک سو و نظام بین‌المللی از سوی دیگر می‌باشد مورد توجه قرار می‌گیرد. تا این زمان نظریه‌های کلان روابط بین‌المللی، گونه‌ای بود که این روابط به رابطه قطبهای قدرت فروکاسته می‌شد و یا در نمایه‌ای از «سلسله مراتب و وابستگی به نمایش گذاشته می‌شد. چنانکه روابط بین‌الملل در سالهای پس از جنگ جهانی دوم بر پایه محور مسکو - واشنگتن تبیین می‌شد که جهان را به اردوگاه شرق و غرب تقسیم می‌کرد و حد واسطی خارج از این محور قابل تصور نبود. «بی‌برگی مکتب موسوم به «رنالیسم» و انجیل آن یعنی «سیاست میان ملتها»^(۱) اثر سوگنتا و آثار پیروان برجسته این مکتب چون کسینجر، کاپلان، روزکوانس و دیگران نیز در مقبولیت این رویکرد مؤثر بود. نماد دیگری که از ساختار روابط بین‌الملل ترسیم می‌شد بر الگوی مرکز - پیرامون و نظریه «وابستگی» استوار بود. نظریه‌هایی که بر پایه این نگرش طرح و ارائه می‌شد بیشتر از سوی مارکسیست‌هایی بود که مسئله یا پدیده امپریالیسم را موضوع کار خود قرار داده بودند. از میان کسانی مانند امانوئل، کاردوزو، گالترنگ و فالتو، کارهای سمیرامین مصری از صلابت بیشتری برخوردار است. وی دو حوزه را از هم متمایز می‌ساخت: یکی جوامعی که در آنها بین بخشهای مختلف صنعت و بخش‌های کشاورزی و خدمات انسجام و هماهنگی

۱- هانس جی. مورگنتا، سیاست میان ملتها، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۲.

وجود داشته و مبین توسعه و رشد هستند و دیگری جوامعی که بین این بخشها گسستگی وجود داشته و مبین عقب ماندگی هستند. بیش از ۸۰ درصد تجارت بین الملل بین جوامع نوع اول صورت می گیرد در حالیکه کشورهای جهان سوم فقط ۲۰ درصد تجارت جهان را به خود اختصاص می دهند و این ۲۰ درصد نیز عمدتاً با جوامع نوع اول صورت می گیرد. در نتیجه جوامع نوع اول شاهد پیشرفت در پیشرفت هستند و جوامع جهان سوم شاهد پیشرفت در عدم پیشرفت.^(۱)

در هر صورت در هیچ یک از رویکردهای فوق جایگاهی برای منطقه و تشکلهای منطقه ای نمی توان یافت. به تدریج سادگی و عدم کفایت این الگوها زیر سؤال رفت، و کسانی به فکر لحاظ پیچیدگی های روابط بین الملل و تفکیک تفاوت های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی افتادند. از آن میان کارها اوران یانگ که به تنوع حوزه های فرهنگی توجه می کرد قابل ذکر است. وی معتقد بود نظام بین المللی در دهه ۱۹۶۰ تحول یافته است در حالیکه هنوز تحلیلها بر پایه دو قطبی بودن جهان صورت می گیرد. او حوزه های فرهنگی مانند حوزه جهان اسلام، بودیسم، مسیحیت متنوع و خارج از "خمس" دو قطبی است، دوم آنکه باید الگویی بوجود آورد که در آن هم قدرتهای جهانی لحاظ شده باشد و هم قدرتهای منطقه ای. علاوه بر آن ممکن است دو ابر قدرت در یک منطقه به رقابت مشغول باشند و در منطقه ای دیگر به همکاری و حفظ منافع مشترک.^(۲)

افزون بر این در مطالعات منطقه ای می توان سه حوزه ملی، منطقه ای و بین المللی را به هم گره زده و ارتباط آنها را بررسی کرد همان طور که اشیگل و کانتوری یادآور می شوند سیاست بین الملل دارای سه سطح است: سطح جهانی، سطح منطقه ای و سطح ملی. در نتیجه منطقه باید به عنوان یک واحد و یک مجموعه بهم مرتبط در تحلیلهای بین المللی لحاظ شود. یعنی دقیقاً به عنوان یک سیستم یا زیر سیستم که به معنای لحاظ استقلال نسبی آن در نظام بین المللی است. اگر سیستم یا نظام را کلتی از روابط موجود بین واحدهای مستقل در یک محدوده ساختاری به حساب آوریم، سه نوع سیستم در ارتباط با سه نوع محدوده قابل تصور

1- Samir Amin, *L'Accumulation à l'échelle mondiale*, Paris: Anthropos, 1970, pp. 25-32.

2- Oran Young, "Political Discontinuities in the International system", *World politics*, vol. 20, 1968, pp. 369-392.

است: سیستم مسلط، سیستم تابع و سیستم داخلی. سیستم مسلط در محدوده جهانی عبارتست از ساختار روابطی که بین قدرتمندترین کشورهای جهان بوجود می‌آید. سیستم تابع عبارت است از مجموعه کنشهای متقابل بین بازیگران یک منطقه و سیستم داخلی به مجموعه روابط و سازمانهایی اطلاق می‌شود که سیاست داخلی یک کشور را بوجود می‌آورند. هریک از این سه سیستم دارای یک مرکز و پیرامون است.^(۱) پیرامون هریک را سیستمهای دیگر تشکیل می‌دهند. بنابراین مطالعات منطقه‌ای حلقه واسط بین مطالعات جهانی و مطالعات ملی است که به منزله پلی مسائل ملی را به مسائل جهانی متصل و تحلیل آنها را آسانتر می‌سازد و ما را از افراط و تفریط بین نظام ملی و نظام بین‌المللی باز می‌دارد.

ماهیت و جایگاه منطقه

اگر تفسیر اخیر را از ساختار نظام بین‌المللی بپذیریم که در آن سهمی هم برای منطقه می‌توان قائل شد اولین سؤال این است که مرزهای منطقه چگونه تعیین می‌شود و منطقه باید دارای چه خصوصیات باشد تا به عنوان زیرسیستم به حساب آید.

بسیاری در تعیین مرزهای منطقه فقط بر محدوده‌ای جغرافیایی تأکید دارند که خود بدون اشکال نیست. زیرا این سؤال پیش می‌آید که کدامین رود یا کوه دقیقاً این منطقه را از منطقه دیگر جدا می‌سازد. آیا می‌توان مرزهای خاورمیانه را به دقت ترسیم کرد، یا به طور دقیق گفت چه کشورهای جزو اروپای باختری هستند و چه کشورهای نیستند. یونان جزو کشورهای اروپای باختری است و رید مجارستان نیست. طبعاً مرزهای جغرافیایی یکی از عوامل تعیین کننده یک منطقه است. اجزاء یک منطقه نمی‌توانند از هم دور یا متفک باشند ولی آیا همین معیار کفایت می‌کند؟ در مقابل عده‌ای بر روابط فرهنگی و فرهنگ مشترک تأکید دارند. تعریف فرهنگ مشترک هم کار آسانی نیست. گاه کشورهایی که دارای یک فرهنگ هستند در عمل ارتباطی با هم ندارند. مثل ایران و تاجیکستان قبل از فروپاشی شوروی (سابق).

1- Louis J. Cantori; Steven L. Spiegel, *The International politics of regions: A comparative approach*, Prentice-Hall, Inc, Englewood Cliffs, New Jersey, 1970, pp. 4-5.

به نظر می‌رسد معیارهای اشیگل و کانتوری برای تعیین محدوده منطقه رساتر از سایر تعابیر باشد؛ یعنی منطقه به مجموعه‌ای از کشورهای یک حوزه جغرافیایی اطلاق می‌شود که دارای روابط متقابل و ارگانیک بوده و هر دگرگونی در یکی از آنها بر سایر کشورهای آن منطقه اثر گذاشته و مانع از بی‌تفاوتی آنها می‌شود. در هر حقیقت منطقه باید دارای ویژگیهای یک زیرسیستم باشد. در عین حال میزان انسجام و ارتباط عناصر یک زیرسیستم همیشه یکسان نبوده و با تفاوت درجه روبرو است که در مورد اروپا به آن خواهیم پرداخت. کتاب حاضر نیز در همین چارچوب نظری صورت می‌گیرد که بیشتر به عنوان مفروضه از آن می‌گذریم تا به سؤال اصلی خود بازرسیم.

اتحادیه اروپا یکی از پدیده‌های شگفت قرن بیستم در حوزه روابط بین‌الملل است که علاوه بر دایرهٔ دامن‌های بازیگران روابط بین‌الملل و انحراف از خط دولتهای ملی، به انحصار بازیگری روابط بین‌الملل را به خود اختصاص داده بودند و تعدیل حاکمیت ملی و عبور از پذیرش مرزهای ملی، به زایش نظریه‌های جدیدی مثل وابستگی متقابل، تئوریهای زاملی، همگرایی منطقه‌ای، کارکردگرایی، صلح و همسویی (Convergence) بین‌المللی کرد به عبارت دیگر مجموعه‌ای از نظریه‌های جدید روابط بین‌الملل در اتحادیه اروپا عینیت می‌یابد و این همه ما را به دورهٔ جدیدی از نظریه و کنش بین‌المللی رهنمون می‌سازد. همسویی کشورهای اروپایی در نیمه دوم قرن بیستم از مراحل آغازین خود تا به امروز از مراحل مختلفی عبور و فراز و فرودهای زیادی را پشت سر گذاشته است. اندیشهٔ اروپای واحد یا اتحاد کشورهای مسیحی اروپا ریشه در گذشته‌های دور و آرمانهای مذهبی دارد، اما تحقق آن محصول نیازهای عینی و شرایط خاصی بود که دنیای -وقتی پس از جنگ جهانی دوم موجد آن گردید. راهنمای عمل در این فرایند نظریه‌های مختلفی بود که یکی پس از دیگری در عرصه عمل به آزمون گذاشته شد تا آنکه بر پایه واقع‌بینی کامل و لحاظ ملاحظات مختلفی که بر سیاست و روابط بین‌الملل و سیاست خارجی کشورها حاکم بوده و هست، عملی‌ترین و آسان‌ترین راه انتخاب و به کار گرفته شد، از آنجا که حاکمیت نظریه‌های کلاسیک و حساسیت کشورها نسبت به حاکمیت خود یکی از موانع بزرگ بر سر راه همگرایی منطقه‌ای و بین‌المللی بود، بنیانگذاران وحدت اروپا کار خود را از جایی شروع کردند که موجد کمترین حساسیت می‌شد. همکاریهای اقتصادی محدود از دیرباز مورد توجه و عمل

دولتها بوده و سودمندی آن نیز بسیار محسوس و در کمترین زمان ممکن آشکار می‌گردد. هم از اینرو شش کشور اروپایی مؤسس همگرایی، همکاریهای خود را در این زمینه و به طور مشخص حول محور تولید و مبادلهٔ ذغال [سنگ] و فولاد آغاز کردند. دیری نگذشت که سودمندی کار آنها زمینه را برای گسترش همکاریهای اقتصادی بیشتر فراهم ساخت. چند تجربه ناموفق سیاسی توجه آنها را از طرح مسائل سیاسی حساسیت برانگیز منحرف و هرچه بیشتر بر عملی بودن همکاریهای اقتصادی متمرکز ساخت. چنین بود که در سال ۱۹۵۷ معاهدهٔ رم منعقد و محصول آن یعنی بازار مشترک تولد یافت. از آن پس چالشهای سیاست بین‌الملل از یک سو و نتایج ملموس و سودمند حرکت آنها از سوی دیگر ارادهٔ گسترش همکاریهای اروپایی را تقویت نمود. استراتژی همگرایی اروپا بر پایه منافع مشترک و مقابله با رقبای بین‌المللی خود بخوبی مبرری سیاسی آنها را طلب می‌کرد. پس از چیرگی بر موانع همکاریهای اقتصادی و سخت‌تر شدن شرایط بین‌المللی در آغاز دهه ۱۹۷۰، کشورهای عضو بازار مشترک آراه آرام به سوی همسویی سیاسی سوق یافتند. با گذار از مراحل سخت دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، تلاشهای خستگی‌ناپذیر سیاستمداران برجستهٔ اروپا، برنامه اروپای واحد در دستور کار قرار گرفت و سرانجام به معاهدهٔ ۱۹۹۲ ماستریخت منجر گردید که محور اصلی آن سیاست امنیتی و خارجی مشترک بود. ده سالی که از انعقاد این قرارداد می‌گذشت صرف تحقق مبادی و موضوعات آن شده است که خود یادآور لحظات حساسی در تاریخ اتحادیهٔ اروپا است. شرح این رویداد و تجربه وحدت اروپا و راهکارهای آنست که در این فرایند مورد استفاده قرار گرفته است هدف این گزارش را تشکیل می‌دهد. این توصیف نه تنها شناخت ما را از اتحادیهٔ اروپا افزایش می‌دهد بلکه آزمون نظریه‌های همگرایی را نیز در بر می‌گیرد. آشنایی با شرایطی که وحدت اروپا را میسر ساخت می‌تواند در ساخت الگوهایی که در سایر مناطق جهان نیز زمینه همگرایی را فراهم سازد، مؤثر باشد.

سؤال اصلی کتاب این است که با وجود موفقیتها و همکاریهای اقتصادی، چرا اتحادیهٔ اروپا برای رسیدن به وحدت سیاسی و اتخاذ یک سیاست امنیتی و خارجی مشترک دستاوردهای اندکی داشته و هنوز هم راه درازی در پیش دارد؟

پاسخ فرضی ما این است با آنکه همگرایی منطقه‌ای از طریق همکاریهای اقتصادی بهتر به نتیجه می‌رسد، اتحادیهٔ اروپا برای رسیدن به یک سیاست خارجی

و امنیتی مشترک نیازمند فعالیت‌های سیاسی و نظامی بود که خود موجب چالش‌های زیادی در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی شده و حصول مقصود را به تعویق انداخته است.

اما آنچه باعث خوش‌بینی نسبت به آینده اروپا می‌شود روند جهانی شدن است که به کاهش حاکمیت دولتهای ملی می‌انجامد. اروپا نیز خود را با این وضعیت همسو نشان می‌دهد که نمونه آن تقویت منطقه‌گرایی است. در نتیجه محتمل است که اروپا به درجه‌ای از فدرالیسم دست یابد.

سازماندهی کتاب به گونه‌ای است که موانع همگرایی سیاسی اروپا و چالش‌های فراروی آن را به نمایش گذارد. پس از اشاره به نظریه‌هایی که راهنمای عمل اروپای متحد قرار گرفته‌اند، به زمینه‌های مساعد و نامساعد همگرایی در اروپا و سپس به اقدامات صورت گرفته می‌پردازیم. آنگاه معارضه‌های ملی و منطقه‌ای و بین‌المللی که اروپا با آن روبرو شده است مورد توجه قرار گرفته به گسترش کمی و کیفی اتحادیه اروپا اشاره می‌کنیم تا به خیزش اروپا به سوی اتحاد و اتخاذ یک سیاست امنیتی و خارجی مشترک در تانهای آن در دهه ۱۹۹۰ برسیم و در پایان چشم‌انداز آینده آنرا در دهه اول قرن بیست و یکم را به نظر بگذرانیم.